

واقعیات و اسرار حج

<"xml encoding="UTF-8?">

واقعیات و اسرار حج را از امام سجّاد (صلوات الله وسلامه علیه) فرا گیرید

علامه عالی مقام حاج میرزا حسین نوری نورالله مضجعہ / اثارالله برهانه صاحب کتاب مستدرک الوسائل در جلد دوم ص 186 باب 17 حدیثی از امام سجّاد صلوات الله علیه نقل می کند .

هنگامی که حضرت سجّاد صلوات الله علیه از حج خانه خدا (کعبه معظمه) مراجعت کردند شخصی بنام شبلی آن حضرت را استقبال نمود ، حضرت فرمود : ای شبلی آیا حج بجا آوردی؟ عرض کرد : آری فرمود : آیا به میقات وارد شدی و از لباس دوخته ی خود برهنه شدی و غسل کردی ؟ گفت : آری اینها را انجام دادم فرمود : پس وقتیکه وارد میقات شدی قصد داشتی که خود را از جامه ی معصیت بیرون آوری و لباس طاعت و بندگی را بپوشی ؟ گفت : نه . حضرت فرمودند : پس در وقتیکه از لباسهای دوخته برهنه شدی قصد و نیت داشتی که از ریا و نفاق و داخل نشدن در شبهات بیرون آئی ؟ گفت : نه حضرت فرمودند : وقتیکه غسل کردی قصد و نیت کردی که خود را از گناهان و خطاها بشوئی ؟ گفت : نه حضرت فرمودند : پس نه به میقات وارد شدی و نه از لباسهای دوخته بیرون آمدی و نه غسل کردی بعد فرمودند آیا نظافت کردی و احرام و عقد حج را بستنی؟ گفت : آری انجام دادم ، حضرت فرمودند : هنگامیکه نظافت کردی و مُحرم شدی و عقد حج را بستنی نیت و قصور نمودی اینکه به نور توبه ی خالص برای خدای خود را از گناهان شستشو دهی ، عرض کرد : نه حضرت فرمودند : وقتیکه احرام بستنی قصد و نیت کردی اینکه حرام کنی بر خودت آنچه را که خداوند بر تو حرام کرده ؟ گفت : نه فرمودند : پس وقتیکه عقد حج بستنی قصد کردی هر عقد و بندی که برای غیر خدا بود باز کنی ؟ گفت : نه ، حضرت فرمودند : نه از گناه در حقیقت شستشو نمودی و نه احرام و عقد حج بستنی آیا داخل و وارد میقات شدی و دو رکعت نماز احرام را بجا آوردی و تلبیه ی حج گفتی؟ عرض کرد : آری حضرت فرمودند : هنگامیکه داخل میقات شدی قصد کردی اینکه نزدیک به خدا می شوی به بهترین اعمال از نماز و بزرگترین حسنات ؟ گفت : نه فرمودند : پس هنگامیکه تلبیه ی حج را گفتی قصد کردی اینکه به زبان اقرار کنی برای خداوند سبحان به بهترین طاعتها و از هر گناه ساکت باشی؟ عرض کرد: نه، حضرت فرمودند: نه در حقیقت داخل میقات شدی و نه نماز خواندی و نه تلبیه گفتی بعد فرمودند : آیا داخل حرم شدی و کعبه معظمه را دیدی و نماز خواندی در برابر کعبه ی مکرمه گفت : آری پس فرمودند وقتیکه داخل حرم شدی قصد کردی اینکه حرام کنی بر خودت هرچه را از مسلمین غیبت می کردی ؟ گفت : نه ، حضرت فرمودند : پس وقتیکه به مکه معظمه رسیدی به دلت نیت کردی اینکه قصد خدا رانمودی؟ گفت: نه ، حضرت فرمودند : پس داخل حرم نشده ای و کعبه معظمه را ندیده ای و نماز بجا نیاورده ای ؟ بعد فرمودند : آیا طواف خانه ی خدا نمودی و دست برارکان مقدس آن رسانیدی و سعی بین صفا و مروه نمودی ؟ عرض کرد: آری انجام دادم ، فرمودند : پس هنگامیکه سعی بین صفا و مروه کردی قصد نمودی اینکه بسوی خدا از خلق گریخته ای و علام الغیوب آگاه است به این عمل تو عرض کرد : نه چنین قصدی نکردم فرمودند : نه طواف خانه خدا کردی و نه دست به ارکان او مالیدی و نه سعی بین صفا و مروه کردی ؟ حضرت فرمودند : آیا حجرالاسود را مصافحه نمودی و در مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی و دو رکعت نماز را بجا آوردی ؟ عرض کرد : بلی انجام دادم پس حضرت صیحه ای زدند که نزدیک بود از دنیا مفارقت کند بعد فرمودند : آه آه

کسیکه با حجر الاسود مصافحه کند به تحقیق با خدا مصافحه نموده است . پس نظر کن ای مسکین بیچاره ضایع نکنی اجر آنچه را که بزرگ است خُرمَت او و نشکنی مصافحه را با مخالفت خدا و مرتکب شد به حرام مانند گناهکاران بعد فرمودند : نیت و قصد کردی هنگامیکه در مقام ابراهیم علیه السّلام ایستادی اینکه ایستادگی داشته باشد برای هر طاعتی و پشت سر گذاشته باشی هر معصیتی را ؟ عرض کرد : نه ، فرمود : پس هنگامیکه دو رکعت نماز خواندی قصد کردی اینکه در حقیقت نماز حضرت ابراهیم علیه السّلام را خوانده باشی و به آن حضرت تاسی نموده باشی و بینی شیطان لعین را با این نمازبخاک مالیده باشی ؟ عرض کرد : نه ، حضرت فرمودند : پس نه مصافحه با حجرالاسود نمودی و نه در نزد مقام ابراهیم علیه السّلام ایستادی و نه دو رکعت نماز خواندی ؟ حضرت فرمود : آیا مشرف بر چاه زمزم شدی و ایستادی بر سر آن و از آب آن نوشیدی ؟ عرض کرد : آری ، فرمودند : آیا قصد کردی اینکه تو مشرف بر طاعت خدائی و پوشانده ای چشمت را از معصیت عرض کرد : نه حضرت فرمود : پس نه مشرف بر چاه زمزم شدی و نه از آب آن در حقیقت آشامیدی بعد فرمودند : آیا سعی بین صفا و مروه کردی و آمد و شد بین آن دو نمودی ؟ عرض کرد : بلی ، حضرت فرمودند : قصد کردی اینکه تو بین خوف و رجائی در اینکه خداوند اعمال ترا قبول کند یا رد ؟ عرض کرد : نه فرمودند : پس در حقیقت سعی نکردی و آمد و رفت بین صفا و مروه نمودی بعد فرمودند : بسوی منا خارج شدی ؟ عرض کرد : آری فرمودند : آیا قصد کردی اینکه مردم را از زبان و دل و دستت آسوده باشند ؟ عرض کرد : نه فرمودند : پس بسوی منا در حقیقت بیرون رفتی بعد فرمودند : آیا به عرفه وقوف کردی و بر کوه رحمت الهی بالا رفتی و شناختی وادی غمره را (کوهی است در حدّ عرفات که نشانه های حرم بر آن نصب است) و خدای سبحان را در نزد میل و جمرات خواندی ؟ عرض کرد : آری ، فرمودند : آیا شناختی خدا را در موقف عرفات به معارف و علوم که در حقیقت چه معارف و علمی را به تو نمایانده است و دانستی که صحیفه ی اعمال تو دست خداست و او بر اسرار باطنی تو آگاه است ؟ عرض کرد : نه ، فرمودند : آیا قصد نمودی هنگامیکه بر کوه رحمت بالا آمدی اینکه خداوند ترحم می کند بر هر مرد مؤمن و هر زن مؤمنه و دوست میدارد هر مرد مسلمان و زن مسلمه را ؟ عرض کرد : نه ، فرمودند : پس قصد کردی در نزد کوه غمر که امر به طاعت کنی کسی را تا اینکه خودت اوّل اطاعت کنی و نهی نکنی کسی را از معصیت تا آنکه خودت باز ایستی از آن ؟ عرض کرد : نه ، حضرت فرمودند : هنگامیکه ایستادی نزد نشانه های حرم و قصد کردی اینکه آنها گواهند بر تو اطاعتها را که انجام میدهی و حفظ می کنند اعمال تو را با حافظین پروردگار به امر پروردگار آسمانها ؟ عرض کرد : نه ، فرمود : پس نه به عرفه ایستادی و نه بر کوه رحمت بالا آمدی و نه شناختی کوه غمره را و نه خواندی خدا را و نه ایستادی در نزد نشانه های حرم ؟ حضرت فرمود : آیا مرور کردی بین دو عَلم و نشانه ی حرم و دو رکعت نماز خواندی قبل از مرور و گذشتن از بین علمین و ومزدلفه وارد شدی و سنگریزه های جمرات را از آن بقعه برچیدی و به مشعرالحرام مرور کردی ؟ عرض کرد : آری انجام دادم . حضرت فرمود : پس هنگامیکه دو رکعت نماز خواندی و قصد کردی که آن نماز شکر است که موفق شدی در شب عید قربان آن نماز را بجا آوری و آن نماز آنچنان نمازی است که هر سختی را آسان و هر آسان را آسانتر مینماید ، عرض کرد : نه حضرت فرمودند : وقتیکه بین علمین راه میرفتی و به جانب راست و چپ منحرف نشدی و نه به زبانت و نه به اعضاء و جوارحت ، عرض کرد : نه پس حضرت فرمودند : وقتیکه در وادی مزدلفه میرفتی و سنگریزه ها را برمیداشتی قصد کردی که هر چهل و معصیتی را از خودت برداری و هر علم و عملی را در خود برقرار سازی ؟ عرض کرد : نه حضرت فرمودند : وقتیکه مرور به مشعر الحرام میکردی قصد کردی که دلت را به شعار اهل تقوی و خوف خدا مشعر و آگاه سازی ؟ عرض کرد : نه حضرت فرمودند پس در حقیقت به اعلام حرم مرور نکردی و در

آن محلّ متبرک دو رکعت نماز نخواندی و به وادی مزدلفه راه رفتی و سنگریزه های آن را برنداشتی و مرور به مشعرالحرام نکردی بعد فرمودند : آیا به زمین منا رسیدی و رمی جمره نمودی و سر خود را در آنجا تراشیدی و قربانی خود را کشتی و در مسجد خیف نماز خواندنی بسوی مگّه معظمّه بازگشتی و طواف آن را بجا آوردی ، عرض کرد: آری انجام دادم آنها را پس حضرت فرمودند : پس قصد کردی هنگامیکه به منا رسیدی و رمی جمرات نمودی اینکه به آرزوی خود رسیده ای به تحقیق پروردگار خود همه ی حاجتهای تو را برآورده است ؟ عرض کرد: نه حضرت فرمودند : پس در وقتیکه رمی جمره میکردی قصد نمودی که دشمنت شیطان و سپاه او را سنگ میزنی و آنها را از خودت دور میکنی عرض کرد : نه فرمودند : در وقتیکه سرت را تراشیدی قصد کردی اینکه خودت را از آلودگیها و از جمیع گناهان پاکیزه نمائی و به بیرون بیائی از گناهان مثل روزی که از مادر دنیا آمده ای ؟ عرض کرد : نه ، حضرت فرمودند : هنگامیکه در مسجد خیف نماز میخواندی قصد کردی اینکه نترسی از کسی مگر از خداوند و از گناهانت و امیدوار نباشی از کسی مگر از رحمت خدا عرض کرد : نه فرمودند : در وقتیکه قربانی خود را ذبح می نمودی قصد کردی اینکه قطع کنی حلقوم طمع را به آنچه که چنگ زدی از حقیقت ورع و پرهیزکاری و اینکه پیروی نمودی سنّت و طریقه ی حضرت ابراهیم علیه السّلام را به ذبح نمودن فرزندش و میوه ی دلش و ریحان قلبش و اینکه حجّ او سنّت است از برای کسانی که بعد از او آمدند و قرب و نزدیکی او سرمشق است برای بعدیها ، عرض کرد : نه حضرت فرمودند : در وقتیکه برگشتی بسوی مگّه معظمّه و طواف کعبه مکرمه را بجا آوردی قصد نمودی اینکه از رحمت خدا بیرون آمدی و بسوی طاعت او مراجعه کردی و چنگ به دوستی او زده ای و واجبات او را بجا آورده ای و نزدیک به خدا شده ای ، عرض کرد : نه حضرت فرمودند : نه در حقیقت به منا رسیدی و نه رمی جمره نموده ای و نه سر تراشیده ای نه قربانی نمودی و نه در مسجد خیف نماز گذاری و طواف کعبه معظمّه ننمودی و نزدیک به مقام رحمت حق نگشته ای برگرد ، بدرستیکه تو حج بجا نیاورده ای . پس شبلی شروع کرد به گریه کردن بر آنچه که از حقایق حج از او فوت شده و از دستش رفته بود و همیشه برای یاد گرفتن حج واقعی کوشش می نمود تا آنکه در سال آینده با معرفت ولیکن جبران مافات را نمود .

علّت دویدن صفا و مروه برای چیست ؟

سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه منقول است که دویدن صفا و مروه برای این سنّت شده که ابراهیم علیه السّلام چون به آن موضع رسید شیطان لعنة الله علیه برای او ظاهر شد پس جبرئیل امین علیه السّلام گفت بر او حمله کن پس شیطان لعنة الله علیه گریخت و ابراهیم علیه السّلام از پی او دوید .

در هنگام حج منا برای چیست ؟

منا را برای این گفتند که جبرئیل امین علیه السّلام به حضرت ابراهیم علیه السّلام گفت که رو به منا کن و هر آرزویی که داری از پروردگار قادر و متعال بطلب .

عرفات برای چیست ؟

عرفات را برای این عرفات گفتند که چون زوال شمس شد جبرئیل امین علیه السّلام به حضرت ابراهیم علیه السّلام گفت : اعتراف کن به عظمت پروردگار قادر و متعال و مناسک حجّ خود را بشناس ، چون حضرت آدم علیه السّلام وقوف کرد گفت پروردگارم برای هر عاملی مزدیست ، مزد عمل من چیست ؟ خداوند عزّ و جلّ به او وحی

نمود ای آدم براستی گناهت را آمرزیدم ، گفت : گناه فرزندان و ذریّه ام چه می شود ؟ خداوند به او وحی نمود ای آدم هرکه از فرزندان اینجای بیاید و به گناهانش اقرار کندو مثل تو توبه کنند بعد آمرزش خواهد برایش می آمرزم .

رمی جمره در حج برای چیست ؟

وقتیکه حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیهم السّلام حضرت اسماعیل علیه السّلام را خواست برای قربانی ببرد اسماعیل علیه السّلام سواره و حضرت ابراهیم علیه السّلام عقب او به منی میرفتند شیطان لعنة الله علیه آمد که ابراهیم علیه السّلام را وسوسه کند گفت : ای خلیل الرحمان عبث این جوان را مگش تو مقتدای مردمی اگر تو امروز پسرت را قربانی کنی مردم به تو تاسی می کنند ، ابراهیم علیه السّلام فرمود : امر خداست باید انجام پذیرد بعد نزد هاجر آمد که وسوسه کند هاجر سلام الله علیها جواب او را داد و فریب نخورد بعد نزد اسماعیل علیه السّلام آمد تا فریب دهد به امر ابراهیم اسماعیل علیهما السّلام رجمش کرد سنگ در سه موضع به شیطان لعنة الله علیه خورد که حالا حاجیان در آن موضع ثلاثه رمی جمره می کنند .

هفت شوط برای چیست ؟ و ثواب آن چقدر است ؟

وقتیکه حضرت آدم علی نبینا و آله علیهم السّلام بر روی زمین تشریف آورد خدایتعالی فرمود: ای آدم طواف که هفت مرتبه در این خانه عوض هفت هزار سالی که ملائکه دور عرش طواف کردند و این هفت شوط ثواب هفت هزار سال طواف ملائکه دور عرش را دارد . هر شوطی بجای هزار سال طواف ملائکه . در دعای صحیفه ی سجّادیه زین العابدین سیّد السّاجدین صلوات الله و سلامه علیه فرمود : هر روز هفتاد هزار ملك به طواف کعبه ی معظمّه می آیند و بعد از طواف دور خانه به زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می روند و از آنجا به زیارت حضرت علی امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه و از آنجا به زیارت قبر سیّد الشهداء حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیه می روند ، یکی از بزرگان ملائکه را خداوند تبارک و تعالی در کعبه معظمّه مقیم کرده که مردم او را می بینند لیکن نمی شناسند بگویم تا بشناسی آن حجرالاسود است مردم عوام به گمانشان سنگ سیاه بی مصرف است .

سخنی درباره حجرالاسود :

امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه فرمودند : وقتیکه خدایتعالی عهد و میثاق می گرفت از بندگان خود به جهت خدائی خودش و نبوّت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم و خلافت مولی الموالی علی بن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه ملائکه بر خود لرزیدند اوّل کسیکه اجابت کرد ملکی بود که حال حجرالاسود است که در خانه کعبه حد حرمت آن درّه روشنایی میداد به چه جهت حالا سیاه شده که او را حجرالاسود می گویند بس که معصیت کاران او را مس کرده اند رنگش تغییر کرد . بی مصرف است .

سخنی درباره حجرالاسود : در دنیا حجرالاسود يك وقت تکلم نمود و سخن گفت روزی که محمد خنفيه مدعی امامت شده بود و به جناب سیّد سجّاد صلوات الله و سلامه علیه پیغام داد که باید اسلحه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و کتب موروثی پدرم علی امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه نزد من باشد به جهت آنکه امروز من اکبر اولادم و امامت ارث به من می رسد ، حضرت فرمود : من می ترسم که عمر تو کوتاه شود به جهت این ادعائی که میکنی محمد خنفيه دوباره ابوخالد کابلی را فرستاد و باز مطالبه ی اسلحه و کتب پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را کرد . حضرت امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود: بیا برویم به مرافعه، محمد خنفيه گفت : نزد که برویم که میان من و تو حکم کند ، حضرت سجّاد صلوات الله و سلامه علیه آنکه همه ی مردم را می شناسد پرسید : او کیست ؟ حضرت فرمود : حجرالاسود است و آن ملکی است که طومار عهد و میثاق مردم نزد اوست و محمد خنفيه قبول کرد آمدند به مسجدالحرام نزد حجرالاسود حضرت سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : تو بزرگتری پیش برو و از حجرالاسود سؤال کن تا در حق تو شهادت بدهد . محمد پیش رفت و دو رکعت نماز کرد و دعا کرد آنگاه پرسید : حجرالاسود شهادت میدهی به امامت من ؟ جوابی نشنید حضرت سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : عمو عقب بایست اگر تو امام بودی جوابت را می داد آنگاه حضرت سجّاد پیش رفت و دو رکعت نماز خواند و فرمود : ای حجرالاسود خداوند ترا شاهد قرار داده برای کسانیکه دور این خانه طواف می کنند اگر میدانی که من امام و مقتدای خلقم و اطاعت من بر همه واجب است شهادت بده تا عموم بدانند که حقّی در امامت ندارند.

ناگهان حجرالاسود به سخن درآمد و شهادت داد ، محمد پیش رفت و پای آن جناب را بوسید و عذر خواست و از ادعای غلط خود شرمنده شد .

دعای حضرت آدم علی نبینا و آله و علیهم السلام بر در کعبه :

امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه در حدیثی فرمود : همانا حضرت آدم علیه السلام بر در کعبه ایستاد و گفت : اللَّهُمَّ اِقْلِنِي عَثْرَتِي وَ اغْفِرْ ذَنْبِي وَ اَعِدْنِي إِلَى الدَّارِ الَّتِي اَخْرَجْتَنِي مِنْهَا ؛ بار الها از لغزشم بگذر و گناهم را بپامرز و مرا به آن خانه ایکه از آن بیرون کردی برگردان .

فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : قَدْ اَقْلَنْتَكَ عُثْرَتَكَ وَ غَفَرْتُ ذَنْبَكَ وَ سَاعَيْدُكَ إِلَى الدَّارِ الَّتِي اَخْرَجْتَكَ مِنْهَا ؛ خدای والا مقام فرمود : حقیقتاً لغزش ترا واگذاردم و گناه ترا آمرزیدم بزودی ترا به خانه ایکه از آن بیرون کردم برگردانم .

ندای منادی و آمرزش در منا :

عبدالحمید (ره) گوید : شنیدم امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه می فرمود: زمانیکه مردم به منا جمع شوند يك منادی ندا کند که ای جمعیت اگر بدانید به چه کسی وارد شدید از آمرزش یقین داشتید ، خداوند عزّ و جلّ گوید همانا بنده ام را در رزقم وسعت میدهم .

آموزش در عرفات :

احمد بن فهد (ره) در عدّة الدّاعی گوید در خبر آمده همانا خداوند در روز عرفه به فرشتگان می فرماید :

يَا مَلَائِكَتِي مَا تَرَوْنَ عِبَادِي وَ اِمَانِي جَاؤُا مِنْ اطْرَافِ الْبِلَادِ شَعْثًا غَبْرًا. تَدْرُونَ مَا يَسْأَلُونَ . فَيَقُولُونَ رَبَّنَا اَنْتَهُمْ يَسْأَلُونَكَ الْمَغْفَرَ . فَيَقُولُ اُشْهِدُكُمْ اِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ ؛ ای فرشتگان چه می بینید بندگان و کنیزانم از اطراف شهرها زولیده و غبارآلوده آمدند . میدانید چه می خواهند ؟ گویند فرشتگان پروردگارا همانا آنان از تو آمرزش خواهند پس میفرماید : خدای عزّ و جلّ شما را گواه می گیرم همانا حقیقتاً گناهان ایشان را آمرزیدم . ملعون است کسیکه بگوید گناهم آمرزیده نشده است و یا گناهان گذشته را تکرار نماید .

شکایت کعبه معظمه در فترت :

علامه محدث صدوق نورالله مضجعه / قدس الله روحه القدسی روایت کرده که کعبه مکرمه به خدایتعالی در فترت (فاصله) بین حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کرد یا رب چقدر زوار من کم است که خداوند تبارک و تعالی به او وحی نمود البته من نوری تازه بر قومی نازل کننده ام که بسویت مهربان شوند . چنانکه پدر و مادر به بچه هایشان مشتاقند و بسویت جهاز بندند چنانکه زنان بسوی شوهرانشان جهاز می بندند آن نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و امت او سلام الله علیهم اجمعین . از حالات امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه در هنگام حج : در مکارم الاخلاق مذکور است همینکه شتر آن حضرت ایستاد در محلّ احرام خواست تلبیه گوید چنان حالش منقلب شد که هر چه کرد تلبیه گوید صدا در حلق شریفش منقطع شد و بیرون نیامد و نزدیک بود از شتر به زمین اصابت نماید من گفتم یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تلبیه را بگو و چاره نیست جز گفتن آن . حضرت فرمود : ای پسر ابی عامر چگونه جرات کنم بگویم لبیک اللهم لبیک و می ترسم که حقّ عزّ و جلّ بفرماید : لا لبیک و لا سعدیک .

اعمال حجّ بیت الله الحرام به دستور مبارک امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه باید بدینگونه انجام پذیرد : 1 - هنگام ورود به میقات و برهنه شدن از لباس دوخته و هنگام غسل و هنگام احرام بستن و هنگام عقد حج بستن :

هنگام ورود به میقات باید قصد داشته باشی که خود را از جامه ی معصیت بیرون آوری و لباس طاعت و بندگی بپوشی و هنگام برهنه شدن از لباسهای دوخته باید قصد داشته باشی که از ریا و نفاق و شبهات بیرون آئی . هنگام غسل کردنم و نظافت نمودن باید قصدا داشته باشی به نور توبه خالص برای خدا خود را از گناهان شستشو دهی و وقتی که احرام بستنی قصد داشته باشی اینکه حرام کنی بر خودت آنچه را که خداوند بر تو حرام کرده وقتیکه عقد حج بستنی باید قصد داشته باشی که هر عقد و بندی که برای غیر خدا بود باز کنی در غیر اینصورت امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : نه در میقات وارد شدی و نه از لباسهای دوخته بیرون آمدی و نه غسل کردی و نه احرام بستنی و نه عقد حج بستنی .

2- هنگام ورود به میقات و بجا آوردن دو رکعت نماز احرام و گفتن تلبیه حج :

هنگام ورود به میقات باید بدانی که به خدایتعالی نزدیک می شوی و اعمال باید به نحو احسن انجام گیرد و از نماز و سایر اعمال هنگام تلبیه حج قصد کنی به زبان اقرار کنی برای خداوند سبحان به بهترین طاعتها و از هر گناه ساکت باشی و مرتکب گناه نکردی . هنگام ورود به حرم و دیدن کعبه معظمه و نماز خواندن باید قصد داشته باشی که حرام کنی بر خودت هرچه از مسلمین غیبت می کردی حضرت امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : در غیر اینصورت داخل حرم نشده ای و کعبه معظمه را ندیده ای و نماز بجا نیاورده ای.

3- اعمال هنگام طواف خانه خدا و دست بر ارکان مقدّس آن و سعی بین صفا و مروه باید بدین گونه باشد: هنگام سعی بین صفا و مروه باید قصد کنی که بسوی خدا از خلق گریخته ای و علّام الغیوب آگاه است به اعمال تو ، امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : در غیر اینصورت نه طواف خانه خدا کردی و نه دست به ارکان مقدّس او مالیدی و نه سعی بین صفا و مروه کردی .

4- مصافحه حجرالاسود و در مقام ابراهیم علی نبّینا و آله و علیهم السلام دو رکعت نماز :

هنگام مصافحه حجرالاسود یقین داشته باشی به تحقیق با خدا مصافحه نموده ای پس نظر کن ای مسکین بیچاره ضایع نکنی اجر آنچه را که بزرگ است حرمت او و نشکنی مصافحه را با مخالفت خدای متعال و مرتکب شدن به حرام مانند گناهکاران . هنگامی که در مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی باید ایستادگی داشته باشی

برای هر طاعتی و پشت سر گذاشته باشی هر معصیتی را . هنگامیکه دو رکعت نماز خواندی باید قصد کنی اینکه در حقیقت نماز حضرت ابراهیم علیه السلام را خوانده ای و به آن حضرت تاسی نموده ای و بینی شیطان لعین را با این نماز بخاک مالیده ای . حضرت امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : در غیر اینصورت نه مصافحه حجرالاسود نموده ای و نه در نزد مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی و نه دو رکعت نماز خواندی .

5- هنگام مشرف بر چاه زمزم و ایستادن بر سر آن و از آب آن نوشیدن :

باید قصد داشته باشی هنگام مشرف بر چاه زمزم اینکه تو مشرف بر طاعت خدائی و بیوشانی چشمت را از معصیت و هنگام نوشیدن آب باید یادی از لب تشنه شهدای کربلا نمائی خصوصاً امام حسین صلوات الله و سلامه علیه امام فرمود در غیر اینصورت نه مشرف بر چاه زمزم شدی و نه از آب آن در حقیقت آشامیدی .

6- هنگام سعی بین صفا و مروه و آمد و شد بین آن دو :

باید قصد کنی که در بین خوف رجائی در اینکه خداوند اعمال ترا قبول کند یا رد ، حضرت سجّاد صلوات الله و سلامه علیه میفرماید: در غیراینصورت سعی نکردی و آمد و رفت بین صفا و مروه ننمودی .

7- نیت جهت رفتن به منا و وقوف به عرفه و از کوه رحمت الهی بالا رفتن و شناختن وادی غمزه :

هنگام رفتن به منا خدای سبحانه تعالی را خواندن و شناختن ذات اقدس حق تعالی در موقف عذفات به معارف و علوم که در حقیقت معارف و علوم را که خدا به تو نمایانده و باید بدانی که صحیفه ی اعمال تو دست خداست و او بر اسرار باطنی تو آگاه است . هنگامیکه بر کوه رحمت بالا آمدی باید بدانی که رحمت خدا ترا فرا گرفته و خداوند ترحم می کند بر هر مرد مؤمن و هر زن مؤمنه و دوست میدارد هر مرد مسلمان و زن مسلمة را . هنگام قصد کردن در نزد کوه غُمره باید بدانی زمانیکه امر به اطاعت کردی کسی را اوّل خودت باید اطاعت کنی و نهی نکنی کسی را از معصیت تا آنکه خودت بازایستی از آن معصیت ، امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : در غیر اینصورت نه به منا رفتی و نه وقوف در عرفه نمودی و از کوه رحمت الهی بالا نرفتی و نشناختی وادی غُمره را .

8- هنگام ایستادن نزد نشانه های حرم و مرور بین دو عَلم و دو رکعت نماز خواندن و ورود به مزدلفه و جمع

کردن سنگریزه های جَمرات را از آن بقعه و به مشعرالحرام مرور کردن باید قصد داشته باشی :

هنگام ایستادن نزد نشانه های حرم قصد کردی اینکه آنها گواهند بر تو اطاعتها را که انجام دادی و حفظ می کنند اعمال تو را با حافظین پروردگار به امر خدایتعالی و هنگامیکه دو رکعت نماز خواندی قصد کردی که آن نماز شکر است که موفق شدی در شب عید قربان آن نماز را بجا آوری و آن نماز آنچنان نمازی است هر سختی را آسان و هر آسان را آسانتر مینماید .

و قتیکه بین دو عَلمین راه میرفتی و بجانب چپ و راست منحرف نشدی نه به دستت و نه به زبانت و نه به اعضاء و جوارحت . هنگامیکه در وادی مزدلفه میروی و سنگریزه ها را بر میداری باید قصد کنی که هر چهل و معصیتی را از خودت برداری و هر علم و عملی را در خود برقرار سازی وقت مرور به مشعرالحرام باید قصد کنی که دلت را به شعار اهل تقوی و خوف خدای مشعر آگاه سازی در غیر اینصورت امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرموده است نه به اعلام حرم مرور کردی و نه در آن محلّ متبرک دو رکعت نماز خواندی و نه به وادی مزدلفه رفتی و نه سنگریزه های آن را برداشتی و نه مرور به مشعرالحرام نمودی .

9- قصد هنگام رفتن به منا و رمی جمره و سر تراشیدن و کشتن قربانی :

هنگام رمی جمره باید بدانی که دشمنت شیطان و سپاه او را سنگ میزنی و آنها را از خودت دور میکنی در هنگام

سرتراشیدن قصد داشته باشی اینکه خودت را از جمیع آلودگیها و از جمیع گناهان پاکیزه نمائی و بیرون بیایی از گناهان مثل روزیکه از مادر دنیا آمدی ، حضرت امام سجّاد فرمود : در غیر اینصورت اعمال تو باطل است .

10- هنگام نماز در مسجد خیف و قصد آن :

هنگام نماز قصد کردی اینکه نترسی از کسی مگر از خداوند واز گناهانت و امیدوار نباشی از کسی مگر از رحمت خدا .

11- قصد در وقت ذبح نمودن قربانی :

هنگامی که قربانی خود را ذبح می نمائی باید قصد داشته باشی قطع کنی حلقوم طمع را به آنچه که چنگ زده ای از حقیقت ورع و پرهیزکاری و اینکه پیروی نموده ای از سنّت و طریقه ی حضرت ابراهیم علی نبّینا و آله و علیهم السّلام را به ذبح نمون فرزند دلبندهش و ریحان قلبش واینکه حجّ او سنّت است از برای کسانیکه بعد از او آمدند و قرب و نزدیکی او سرمشق است برای بعدیها .

12- قصد در هنگام برگشتن بسوی مگّه معظّمه و طواف کعبه ی مگّرمه :

باید قصد داشته باشی اینکه از رحمت خدا بیرون آمدی و بسوی طاعت او مراجعه کردی و چنگ به دوستی او زده ای و واجبات او را بجا آورده ای و نزدیک به خدا شده ای .

حضرت علی بن الحسین صلوات الله و سلامه علیهما فرمودند : در غیر اینصورت نه در حقیقت به منا رسیده ای و نه رمی جمره نموده ای و نه سر تراشیدی و نه قربانی نموده ای و نه در مسجد خیف نماز گذاری و طواف کعبه معظّمه را ننمودی و نزدیک به مقام رحمت حق نگشته ای ، برگرد به درستیکه تو حج بجا نیاورده ای . پس شبلی شروع کرد به گریه کردن بر آنچه که از حقایق حج از او فوت شده از دستش رفته بود و همیشه برای یاد گرفتن حجّ واقعی کوشش مینمود تا آنکه در سال آینده با معرفت و یقین جبران مافات را نمود .

ثواب زیارت خانه خدا کعبه معظّمه :

ابان بن تغلب گوید : شنیدم امام صادق صلوات الله و سلامه علیه می فرمود : هر کس هفت شوط گرد خانه کعبه طواف کند خدای عزّ و جلّ برایش شش هزار حسنه نویسد و شش هزار گناه از او بزداید و شش هزار درجه برایش بالا برد .

اسحاق بن عمّار که با حضرت بود افزود که شش هزار حاجت او را روا کند سپس امام صادق صلوات الله و سلامه علیه فرمود : روا ساختن حاجت مؤمن بهتر است از طوافی و طوافی و تا ده طواف شمرد .

کافی جلد 3 ص 279

و بعد فرمود : هرکس در راه حاجت برادر مؤمنش گام بردارد تا آن را روا کند و مقصودش ثواب خدا باشد خدای عزّ و جلّ برایش مانند پاداش يك حج و يك عمره ی پذیرفته و روزه ی دو ماه با اعتکاف در مسجدالحرام بنویسد و هرکس به نيّت روا ساختن حاجت مؤمن گام بردارد ولی برآورده نگردد خدا برایش مانند يك حجّ مقبول نویسد پس در کار خیر رغبت کنید .

کافی جلد 3 ص 280

حق الحج : یکی از گناهان کبیره ترك حج است .

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مرویست که فرمود چون کسی را حج واجب شود و بدون مانع شرعی نرود و از بجا آوردن حج خودداری کند و بمیرد او را غسل ندهید و کفن نکنید و در قبرستان مسلمین دفن

نکنید که او بر دین یهود و نصاری مرده است و از حضرت امام صادق صلوات الله و سلامه علیه مرویست که فرمودند : خداوند عزّ و جلّ فرمود : وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى (سوره طه آیه 20) ؛ کسانی که حج برایشان واجب شود و ادا نکنند خدای متعال ایشان را در قیامت کور محشور گرداند و فرمود : حج دارویی است که گناهان را زایل می کند .

فاسئل الله ان يرزقنا بفضلہ . صراط المتّقين ص 62 و 63

گریه کننده بسیار اما حاجی اندك : ابوبصير (ره) یکی از شاگردان امام باقر صلوات الله و سلامه علیه مردی نابینا بود و در مراسم حج همراه آن حضرت شرکت کرد سروسدا و گریه بسیار شنید و گفت : ما اکثر الحجيج واعظم الضجيج ؛ چقدر حاجی زیاد و گریه مردم عظیم است که امام باقر صلوات الله و سلامه علیه فرمود : بل اکثر الضجيج و اقل الحجيج ؛ بلکه گریه کننده بسیار اما حاجی اندك است سپس فرمود آیا دوست داری بدرستی گفتار من آگاه کرد و بطور روشن بینی که حاجی اندك است آنگاه امام باقر صلوات الله و سلامه علیه دست مبارکش را بر چشمان ابوبصير (ره) کشید دعاهائی خواند او بینا شد امام به او فرمود: ای ابو بصير به حاجی ها نگاه کن . ابوبصير (ره) می گوید : نگاه کردم دیدم اکثر مردم بصورت میمون و خوك هستند و مؤمن در میان آنها مانند ستاره ای درخشنده در میان تاریکی است و بعد گفت ای مولای من آری چقدر حاجی اندك و گریه کننده بسیار است .

مناقب آل ابیطالب جلد 4 ص 184

دعای مؤثر بازشدن درب خانه کعبه :

کلید بیت المقدس همیشه نزد حضرت سلیمان سلام الله علیه بود به احدی غیر از خودش اعتماد نمی کرد شبی آن جناب کلید را برداشته خواست درب را باز کند از قضا باز نشداز طایفه جن و انس استمداد کرد نتیجه ای نگرفت بی اندازه غمگین و ناراحت شد و گمان کرد که خداوند او را از بیت المقدس منع نموده است در این بین پیرمرد فرتوتی که به عصای خود تکیه کرده و از رفقا و همنشینان پدرش حضرت داود سلام الله علیه بود به حضور آن حضرت آمده و عرض کرد چرا غمگین می باشی ؟ سلیمان سلام الله علیه باز کردن این خانه بر من و اعوان من جنیان و انسیان مشکل شده است . پیرمرد : آیا تعلیم ندهم به تو کلماتی را که پدرت در حال افسردگی می خواند و خداوند رفع غم او می کرد . حضرت سلیمان سلام الله علیه فرمود : بگو ای پیر مرد ، پیرمرد گفت : اللهم بنورك اهتديت و بفضلك استغثت و بك اصحبت وامسيت ذنوبي بين يديك . 43 استغفرک واتوب اليک يا حنان يا منان .

ترجمه ؛ خداوندا به نور تو هدایت شدم و به فضل تو بی نیاز گردیدمو به یاری تو صبح و شام کردم . گناهان من نزد توست طلب آمرزش از درگاهت می کنم و به تو بازگشت می نمایم ای خدای مهربان و ممت گذارنده .

ره روان کعبه مقصود اندر ره بکوشید جامه ی احرام در تن جمله مرد و زن بپوشید

زآفتاب گرم و سوزان از چه در آه خورشید چند روزی تلخی طاعت بامر حق بنوشید

در ره محبوب باید چوت خلیل الله قدم زد در میان آتش نمرودیان از دوست دم زد

هرکه شد دوستی به روی هستی عالم قدم زد جمله را بر نام نامی خدای خود رقم زد

دوستان کوی حق را کی دریغ از مال و جان است نام محبوبش همیشه روز و شب ورد زبان است

حدیث در کیفیت بیت المعمور و حجرالاسود : در آسمان چهارم نهريست که او را نهراحيوان می گویند هر روز

جبرئیل امین سلام الله عليه میان آن نهر می رود و بیرون میآید و بالهای خود را حرکت میدهد که هفتاد هزار قطره از او می چکد خدای تعالی از هر قطره ملکی خلق می کند و این هفتاد هزار ملک میروند و در بیت المعمور هفت مرتبه طواف می کنند که دیگر تا قیامت نوبت آنها نمی شود و ثواب عبادت آنها به جهت شیعیان و دوستان حضرت علی امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه است .

وقتی که حضرت آدم صلوات الله و سلامه علیه به روی زمین آمد خدا فرمود ای آدم طواف کن هفت مرتبه این خانه را عوض هفت هزار سالی که ملائکه دور عرش طواف کردند این هفت شوط ثواب آن را دارد . هر شوطی بجای هزار سال طواف ملائکه . در دعای صحیفه است که امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود: هر روزی هفتاد هزار ملک به طواف کعبه می آیند و بعد از طواف دور خانه به زیارت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میروند و از آنجا به زیارت حضرت امیر صلوات الله و سلامه علیه میروند و از آنجا به قبر سیّد الشهداء صلوات الله و سلامه علیه را زیارت می کنند و معراجی برای آنها نصب می شود که از آنجا به اسمان میروند و دیگر تا قیامت نوبت آنها نمی شود و هیچ وقت از شب و روز خانه کعبه خالی از طواف کننده نیست . یکی از بزرگان ملائکه را خداوند در کعبه مقیم کرده که مردم او را می بینند ولیکن نمی شناسند آن ملک مقیم کعبه و ملازم مکه مکرمه است آن حجرالاسود است . مردم عاوم خیال می کنند سنگ سیاه بی مصرف است . 45
ملائکه ص 114 و 115

دعای ورود به مکه معظمه :

مرد اعرابی پرده کعبه مکرمه را گرفته و در مقام مناجات می گوید : پروردگارا خانه توست و من میهمان تو هستم و از برای میهمان پذیرائی لازم است اولین پذیرائی مرا آمرزش گناهانم قرار بده و چون شب دوم شد اعرابی دست به پرده کعبه معظمه زد و مناجات می کند خداوند ترا قسم میدهم به محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و از خداوند تقاضای بهشت و آزادی از جهنم مینماید .

مناقب اهل البيت ص 36

صدوبیست نظر رحمت خدا به حاجیان :

خداوند صدوبیست نظر رحمت نزد خانه محترم خود دارد که :

شصت نظر رحمت از آن طواف کنندگان است . چهل نظر رحمت از آن نمازگزاران است . بیست نظر رحمت از آن نگاه کنندگان به خانه است .

قابل توجه : در برابر خانه کعبه آنچه که از گناهان خود بیاد دارید اعتراف کنید و آنچه که بیاد ندارید بگوئید : پروردگارا هرچه تو بر ما نوشته ای و ما فراموشش کردیم آن را بیامرز . هرکه در مکه معظمه به گناهانش اعتراف کند و از خدای عزّ و جلّ آمرزش آنها را خواهد بر خدا سزااست که آنها را برایش بیامرزد .

تحف العقول تالیف شعبه البحرانی (ره) ص 102

هر کس يك درهم در راه حج خرج کند معادل هزار درهم است .

تحف العقول ص 112

خاصیت آب زمزم :

سرکشی در چاه زمزم درد را ببرد از آبش بنوشید در آن سمتی که حجرالاسود است . تحف العقول ص 109

هر وقت مسجد برآثا خراب شد حج باطل می شود : در کتاب ملاحم ص 130 دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : هر وقت مسجد بر آثا خراب شد حج باطل می شود یعنی راهش بسته می شود ، گفته شد مسجد برآثا کجاست ؟ فرمود : در غرب بغداد از زمین عراق است که هفتاد پیغمبر و وصی پیغمبران آنجا نمازگزارند و آخر کسی که آنجا نماز گزارد این است و اشاره به علی امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه فرمود . باتی ص 108

فضیلت حجرالاسود :

اخبار زیادی در فضیلت حجرالاسود وارد شده ، صحیح نسائی جلد 2 ص 37 از سعید بن جبیر و او از ابن عباس نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : حجرالاسود از بهشت آمده است و آن از برف سفیدتر بود ولی برآثر خطایای مشرکین سیاه شد .

صحیح ترمذی جلد 1 ص 180 از سعید بن جبیر و او از ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : سوگند به خدا در روز قیامت خدا حجرالاسود را برمی انگیزاند و برای او دو چشم است که با آن دو چشم می بیند و زبانی دارد که گواهی می دهد برای هر کسی که او را به حق ببوسد و حجش قبول شده باشد . شناسائی هفت تن در صدر اسلام تالیف علامه سیّد مرتضی حسینی یزدی فیروز آبادی (ره) ترجمه حاج عباس راسخی نجفی (ره) ص 144 و 145

حکایت داستان عبدالله مبارک در مورد حجّ و زن فقیر علویّه :

عبدالله مبارک می گوید : تصمیم داشتم سالی به حج بروم در کوفه روزی از کوچه ای می گذشتم زنی را دیدم مرغ مرده را از خرابه برداشت زیر چادر گرفت ، پرسیدم : این نجس و حرام است می بری به کدام مسلمانی بخورانی ؟ زن در جواب گفت : من علویّه ام و چند طفل یتیم دارم دو روز است غذائی به آنها نرسیده است . عبدالله مبارک رحمه الله علیه / نورالله مضجعه گوید : با خود گفتم اگر از مگه رفتن مقصود ثواب است کمک به این زن علویّه و فرزندان یتیمش از آن بسیار است علویّه را صدا زدم پولهایّی که برای مگه رفتن جمع آوری نموده بودم به او دادم و ترك حج کردم وقتی که حاجیان برگشتند به استقبال آنها رفتم هر کدام از دوستان و آشنایان که به من می رسیدند می گفتند از کدام راه آمدی که زود به مقصد رسیدی در عرفات و طواف ترا دیدیم حالا استقبال ما آمده ای . عبدالله مبارک نورالله مضجعه / اثارالله برهانه می گوید : خیال کردم که این استیها است و این سخنان را از روی سخریّه می گویند شب جناب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دیدم فرمود : به جهت احسانی که در حقّ علویّه کردی و اطفال یتیم ما را محبت نمودی از خدای تعالی خواهش کردم ملکی خلق کند به صورت تو هر سال تا آخر دنیا بیاید و بصورت تو حج کند و ثوابش برای تو نوشته شود .

مسئله حجّ بیت الله الحرام :

- 1- پوشانیدن مرد سرش را در حال احرام حرام است به خلاف زن .
- 2- پوشانیدن صورت در حال احرام به مرد حرام نیست به خلاف زن مادامی که در احرام است پوشانیدن صورتش با نقاب حرام است . لکن می تواند با بادبزن و امثال آن صورت را از نامحرم بپوشاند .
- 3- مرد را جایز نیست مادامی که در احرام است در راه رفتن بر سر خود سایه بان قرار دهد بخلاف زن که برای او جایز است .

- 4- برای مرد مستحب مؤکد است در طواف حجرالاسود استعلام کند بخلاف زن .
- 5- برای مرد در وسعی میان صفا و مروه هروله کردن مستحب است .
- 6- مرد را جایز نیست پیش از طلوع صبح روز عید عمداً از مشعر الحرام به منا کوچ کند بخلاف زن .
- 7- مرد را جایز نیست لباس دوخته بپوشد بخلاف زن .
- 8- نماز جماعت در حق مرد مستحب مؤکد است بخلاف زن که در حق او مشروع است ولی مؤکد نیست .

مزد عبادت در سرزمین عرفات :

حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله و سلامه علیه فرمود : همانا خداوند مباهات و افتخار به بندگان خود در سرزمین عرفات می کند و به فرشتگان خود می گوید : بندگان من بر روی خاکها نشسته اند و طلب رحمت می کنند گواه باشید که من نیکوکاران آنها را بخشیدم و آنان را شافع و واسطه در بخشش گناهکاران آنها قرار دادم و به هنگام قیامت نیز آنان را شفاعت می کنند . تاریخ ابن عساکر 12/529

دعای حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام بر در کعبه :

امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه در حدیثی فرمود : همانا حضرت آدم علیه السلام بر در کعبه ایستاد و گفت : اَللّهُمَّ اَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ اغْفِرْ ذَنْبِي وَ اَعِدْنِي اِلَى الدَّارِ الَّتِي اَخْرَجْتَنِي مِنْهَا فَقَالَ اللهُ تَعَالَى اَقْلَتُكَ عَثْرَتُكَ وَ غَفَرْتُ ذَنْبَكَ وَ سَأَعِيدُكَ اِلَى الدَّارِ الَّتِي اَخْرَجْتُكَ مِنْهَا ؛ بار الها از لغزشم بگذر و گناهم را بیامرز و مرا به آن خانه ایکه از آن بیرون کردی برگردان . خدای والا مقام فرمود : حقیقتاً لغزش ترا واگذاردم و گناهت را آمرزیدم و بزودی ترا به خانه ایکه بیرون کردی برگردانم .

دعوت به حج :

امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه فرمود چون حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیهما السلام از ساختن خانه کعبه معظمه فارغ شدند حق تعالی ابراهیم علیه السلام را امر کرد مردم را به حج ندا کند پس بر مقام بالا رفت و آن برابر ابوقیس بلند شد و مردم را به حج طلبید و خداوند صدای او را به آنها که پشت پدران و شکم مادران بودند و تا روز قیامت متولد شد رسانید پس مردم در پشتهای مردان و رحمهای زنان گفتند . لبیک داعی الله ، لبیک داعی الله هر که یکبار گفت یکبار حج می کند و هر که دو بار گفت دو بار و هر که پنج بار گفت پنج بار و هر که نگفت حج نمی کند .

در مورد حج رفتن ملوک و ثروتمندان و بی چیزان :

در کتاب تهذیب حضرت امام محمد باقر صلوات الله و سلامه علیه فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود : می آید بر مردم زمانی به حج رفتن ملوک از برای نزهت و تماشا می شود و به حج رفتن ثروتمندان به جهت کسب و تجارت می شود و به حج رفتن بی چیزان بعنوان سؤال و گدائی می شود .

حدیث 76 ص 77 از کتاب الملاحم

معاذبن کثیر گوید : در موقف عرفات نگریستم دیدم مردم بسیارند پس خود را به امام صادق صلوات الله و سلامه علیه نزدیک کرده و عرض کردم برآستی اهل موقف (حاجیان) بسیارند حضرت چشم انداخت و دیده اش را به آنها چرخانید سپس فرمود : نزدیک بیا ای ابا عبدالله اینها کف و آشغالهائی هستند که موج از هر سو آورده و در اینجا جمع کرده نه به خدا سوگند حج پذیرفته نیست جز از شماها نه به خدا سوگند خداوند نمی پذیرد جز از

گفتار حجاج در مگه معظمه :

در شب اول : يا صاحِبَ الْبَيْتِ . الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الصَّيْفُ صَيْفُكَ وَ لِكُلِّ صَيْفٍ مِنْ مُضَيْفٍ قَرَى . فَأَجْعَلَ قِرَاىِ
مِنْكَ الْيَلَةَ الْمَغْفِرَةَ ؛ اى صاحب خانه ، خانه خانه دوست و میهمان ، میهمان دوست و هر میهمانی نزد صاحب
خانه و مهماندار خود احترامی دارد . احترام و حق پذیرائی مرا امشب از طرف خود مغفرت و آمرزش قرار بده .
در شب دوم : يا عَزِيزًا فِى عَزِّكَ وَ لَا أَعَزَّ مِنْكَ * فِى عَزِّكَ أَعَزَّنِى بِعَزِّكَ فِى عَزِّ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ . اتَّوَجَّهْ إِلَيْكَ
وَ اتَّوَسَّلْ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ أَعْطِنِى مَالًا يُعْطِينِى أَحَدٌ غَيْرُكَ وَ أَصْرِفْ عَنِّى مَا لَا يَصْرِفُهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ ؛ اى
عزیز در عزت که عزیزتر از تو نیست ، عزیز گردان مرا به عزت خود و عزتی به من بده که احدی نداند از کجا تو به
من عزت دادی توجه و توسل می جویم به تو به حقى که محمد و آل محمد صلى الله عليه وآله و سلم بر تو
دارند به من مرحمت کند و دور کن از من چیزی را که غیر از تو کسی نمی تواند آن را دور کند.

در شب سوم : يا مَنْ لَا يَحْيِيهِ مَكَانٌ وَلَا يَخْلُو مِنْهُ مَكَانٌ بِلا كَيْفِيَّةٍ كَانَ أَرْزُقُ مِنْ رُوحَةِ الْإِعْظَمِ انْشَاءَ اللَّهِ ؛ اى
خدائی که در مکان نیستی و هیچ مکانی هم خالی از تو نیست و موجودی هستی بدون کیفیت مرحمت کن و
روزی کن اعرابی را چهارهزار درهم حضرت علی صلوات الله و سلامه علیه آمدند جلدی اعرابی و فرمودند: اى
اعرابی از خدای خود سؤال کردی قرب و عزت را به تو مرحمت کرد سؤال کردی بهشت را مرحمت کرد و خواستی
که آتش از تو دور کند دور کرد و امشب سؤال کردی چهار هزار درهم عرض کرد: شما کیستی ؟ فرمود : من علی
بن ابیطالب صلوات الله و سلامه علیه هستم گفت : بخدا قسم آرزو و امید من تویی و از تو حاجت خود را می
خواهم فرمود سؤال کن حاجت خود را . عرض کرد هزار درهم برای صداق و مهر زوجه ی خود می خواهم ، هزار
درهم می خواهم که قرص خود بیزارم ، هزار درهم می خواهم که با آن خانه اى بخرم ، هزار درهم می خواهم که
سرمایه ی کسب قرار دهم برای زندگیم فرمودند : خوب با انصاف هستی وقتی از مگه خارج شدی بیا مدینه
الرسول و سؤال کن از خانه ی من .

روضة الواعظین جلد 1 ص 124 تا 126 ، خصائص الاثمه ص 129 تا 135

هفتاد هزار فرشته در اطراف خانه کعبه معظمه در شب

هفتاد هزار فرشته در اطراف خانه کعبه معظمه در روز

داود رقی از امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه روایت کند که فرمود هیچ خلقی از مخلوقات خدا بیش از
فرشتگان نیستند . همانا در هر شبی هفتاد هزار فرشته از آسمان فرود آیند و تمام شب را در اطراف خانه ی
کعبه طواف کنند و در هر روز هفتاد هزار فرشته از آسمان فرود آیند و تمام روز را در اطراف خانه کعبه طواف کنند

الروضة من الكافي جلد 2 حدیث 402

فضیل گوید : به امام باقر صلوات الله سلامه علیه به مسجدالحرام درآمدیم و آن حضرت و من در میان باب بنی
شبهه بودیم به مردم نگریست و فرمود : اى فضیل مردم در زمان جاهلیت نیز به همین وضع دور خانه کعبه
طواف میکردند نه حقى می شناختند و نه به دینی پابند بودند . خدا لعنتشان کند که اینها چه مردم مسخره و
نگونساری هستند و بعد فرمود : اى فضیل بخدا سوگند کسی از روی حقیقت برای خدای عزّ ذکره حج نکند جز

شما و جز از شما گناهی آمرزیده نگردد و عمل پذیرفته نگردد جز از شما .

الروضة جلد 2 حدیث 434

در تفسیر قرآن مجید و عالمان بدان :

زید بن شحام گوید : قتاده بن دعامة یکی از مفسران و بزرگان اهل سنیت خدمت امام باقر صلوات الله و سلامه علیه شرفیاب شد حضرت به او فرمود : ای قتاده تو فقیه اهل بصره هستی ؟ عرض کرد : چنین پندارند. امام باقر صلوات الله و سلامه علیه به او فرمود : شنیده ام تو قرآن تفسیر می کنی ؟ قتاده - آری ، امام باقر - از روی دانش و علم تفسیر می کنی یا ندانسته ؟ قتاده - از روی علم و دانش تفسیر می کنم ، امام باقر - اگر چنان است از روی علم تفسیر می کنی بجا است و من از تو پرسش میکنم ، قتاده - بپرسید . امام باقر صلوات الله و سلامه علیه - مرا خبر ده از گفتار خدای عزّ و جلّ که در سوره سبا فرماید : معین کردیم در آن منزلگاهها برای سیر و در آنجا شبها و روزها به آسودگی و ایمنی راه سپارید . سوره سبا آیه 18 قتاده - این آیه درباره آن کسی است که از خانه خویش به قصد زیارت خانه کعبه بیرون آید و توشه حلال با خود بردارد و مرکب حلال داشته باشد و کرایه اش را از مال حلال بپردازد چنین کسی در امان و آسایش است تا به خانه خویش بازگردد . امام باقر صلوات الله و سلامه علیه - ای قتاده تو را بخدا سوگند دهم آیا میدانی که بسا مردی با توشه حلال و مرکب و کرایه ی حلال با خود بردارد و از خانه خویش به قصد زیارت کعبه بیرون آید و دچار راهزنان گردد و خرجی راه او را ببرند و از این گذشته کتکی به او بزنند که به حد هلاکت رسد . قتاده پاسخ داد : آری بخدا . امام باقر صلوات الله و سلامه علیه - وای بر تو ای قتاده اگر تو قرآن را پیش خود تفسیر می کنی نه فقط خود هلاک گشته ای بلکه دیگران را بهلاکت رسانده ای و اگر از دهان مردم گرفته ای باز هم هلاک شده و مردم را به هلاکت رسانده ای وای بر تو ای قتاده این آیه درباره کسی است که از خانه خویش با توشه و مرکب و کرایه حلال به آهنگ زیارت خانه کعبه بیرون آید و به حق ما عارف و آشنا باشد و در دل هوای ما داشته باشد چنانچه خدای عزّ و جلّ فرمود : و دلهای مردم را چنان کن که هوای آنها کند . ابراهیم آیه 27 و مقصود حضرا ابراهیم سلام الله علیه اشتیاق به خانه نبود و گرنه می گفت : هوای آن کند و اینکه الیهم گفت و ضمیر را جمع آورد مقصودش ما بوده ایم پس مائیم بخدا سوگند مقصود از دعای ابراهیم سلام الله علیه که هر که در دل هوای ما کند حجّ او پذیرفته است و گرنه ، نه . ای قتاده هر کس چنین باشد از عذاب جهنّم در روز قیامت در امان و آسوده است و این است مقصود از آسایش و امان دو آیه ، قتاده گفت : به همین دلیل من هم دیگر این آیه را جز بدین نحو که شما تفسیر فرمودی تفسیر نخواهم کرد . الروضة جلد 2 حدیث 485

امام باقر صلوات الله و سلامه علیه - وای بر تو ای قتاده قرآن را تنها آن کس می فهمد که به او خطاب شده .

حدیثی در مورد مسجدالحرام :

از امام صادق صلوات الله و سلامه علیه روایت شده که در گفتار خدای عزّ و جلّ و هر که در آنجا یعنی مسجدالحرام اراده تجاوز و ستمی کند او را عذابی دردناک بچشانیم . سوره حج آیه 25 فرمود : هر که در آنجا غیر خدای عزّ و جلّ را پرستش کند یا غیر اولیاء خدا را دوست بدارد چنین کسی تجاوز کار و ستمگر می باشد و بر خدای تبارک و تعالی است که او را عذاب دردناک خویش بچشاند .

الروضة من الکافی جلد 2 حدیث 533

حدیثی در مورد قیام حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه :

در وافی جلد 2 ص 113 از امام صادق صلوات الله و سلامه علیه روایت کند که چون قائم صلوات الله و سلامه علیه قیام کند مسجدالحرام را خراب کند و به اساس اوّلش برگرداند و مقام ابراهیم سلام الله علیه را بجای خود برگرداند (که نزدیک درب کعبه بوده) و دستهای بنی شیبه را قطع کند و بر کعبه آویزان کند و برآن بنویسد دزدان کعبه . یاتی ص 527

ثواب طواف کعبه معظّمه :

کافی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه روایت کرده است که چون حضرت آدم سلام الله علیه طواف کرد به کعبه معظّمه و منتهی شد به ملتزم جبرئیل سلام الله علیه گفت : ای آدم اعتراف کن از برای پروردگار خود در این مکان، پس ایستاد و عرض کرد : ای خدای من بدرستی که از برای هر کار کنی اجری است پس چیست مزد من ؟ پس خدا به او وحی کرد که ای آدم به تحقیق که من آمرزیدم گناه ترا ، عرض کرد که گناه ذریّه مرا نیز بیامرز پس وحی شد بسوی او که ای آدم هر کس از فرزندان تو که در این مکان بیاید و به گناهان خود اقرار نماید توبه کند چنانکه تو توبه کردی پس استغفار نماید من او را می آمرزم .

مترجم کتاب اسرار الانبیاء و. انوار الاوصیاء صلوات الله و سلامه علیهم آقای آیه الله العظمی آقای ملا حبیبی الله الشریف کاشانی طاب ثراه گوید که ملتزم همان مستجار است که مکانی است در پشت کعبه که دعا در آنجا رد نمی شود و از نزدیک رکن یمانی است . ص 9 و 10

گفتار مرد پیری در طواف کعبه معظّمه :

در بعضی تفاسیر از اصمعی حکایت کرد که گفت : در طواف کعبه بودم پیری را دیدم در پرده ی کعبه آویخته بود و می گفت الهی مخلوقی که بنده دارد چون پیر شود آزادش کند و من در خدمت تو پیر گشتم مرا آزاد کن ؟ هاتفی آواز داد که ای پیر تو را آزاد کردیم و بهشت را جای تو ساختیم .

نقل از کتاب اسرار الانبیاء تألیف مرحوم آقای ملا حبیب الله شریف ص 553

بارالها قدر لطف بی شماری را ندانستم دریغ بهر عذر ناسپاسی با سر و جان آمدم
بهر بخشش اشک ریزان بر در و درگاه تو از غروب غم فزا تا بامدادان آمدم
مناجات امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه به در خانه خدا (کعبه معظّمه)

إصمعی که یکی از دانشمندان عصر بنی امّیه است می گوید : به زیارت بیت الله الحرام مشرف شدم در شب تاری و مشغول طواف بودم ناگاه صدای دلخراش نیکوئی مرا بگوش رسید بر اثر آن صدا برفتم جوانی دیدم نیکو روی با اندام و شمائل ظریف که علائم خیر و صلاح و بزرگواری از وجهه او ظاهر بود در حالیکه عمّامه بر سر و و تحت الهنک علاقه کرده بود به پرده کعبه آویخته و چنین میفرمود : ای آقای مولای من چشمها همه در خوابند و ستارگان نایاب و تو پادشاه زنده بیداری و هیچ وقت بر تو مستولی نشود و ابواب تمام پادشاهان بسته و پاسبانان بر در خانه ایشان از بهر حراست ایستاده و هر عاشقی را با معشوق خود خلوتی است الاّ باب احسان و عفو تو که بر روی سائلان باز است اینک من یک تن از سائلانم در حالی که گناهکار و درویش و بیچاره بر درب عطای تو ایستاده ام و به امید رحمت نزد تو شتافته ام چه شود از طریق لطف به من بنگری و پس از مکالمات ابیاتی بر زبان مبارک جاری ساخت . ای کسی که دعای بیچاره را در تاریکی شب اجابت میفرمائی ، ای برآورنده مضرت و بلاها و دردها به تحقیق که وافدین در گرد خانه تو بخواب و بیداری هستند و بخشش تو ای پاینده همیشگی است اگر به بخشش تو شخصی شرافتمند امیدوار نباشد پس بر گناهکاران که نعمت خود را خواهد بخشید . میخواهم ترا ای پروردگار و مولا و آقای من پس رحم کن بر گریه ی من بحقّ این خانه آمرزش خود را به

من ببخش و درگذار ، من مسبب جود و کرامت خودت فضل عفو خویش را به من عطا فرمای ، ای کسیکه مخلوقات در حرم بسوی تو اشاره می کنند و سپس سر به آسمان برداشته و عرض کرد : ای آفریدگار من اگر ترا تا حدّ دانش و شناسائی خود فرمانبردار بودم این ستایش از برای تو تواند بود منّتی از برای من و اگر به نادانی نافرمانی تو کردم این از تو بر من برهان و حجّتی است پس از جهت اظهار منّت تو بر من و اثبات برهان بر تقصیرات من مرا ببخش و گناهان من را بیامرز و از دیدار جدّ بزرگوار و روشنی بخش دیدگان من حبیب تو خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلّم در دار کرامت خود محرومم مفرما و بعد عرض کرد ای خدا و مولای من نیست لذّتی از برای دنیا مگر به ذکر تو و نه از برای عقبی مگر به بخشایش تو و نه از برای شب مگر به مناجات تو و از برای روزها مگر به طاعت تو و نه از برای دلها مگر به محبّت تو و نه از برای بهشت مگر به آمرزش تو پس دنیا و آخرت لذّتی ندارد مگر به سبب وجود تو ای ارحم الراحمین ، پس از آن گفت : ای خدای من از اعمال صالحه ی ما ترا سودی نیست و از افعال بد ما ترا زیانی نباشد پس بپذیر از من آن را که به تو سودی نرساند و بیامرز مرا در آن مواردی که ترا زیانی نرساند ای بخشاینده حقیقی آدم بسوی تو ای پروردگار عالمیان و رها کردم تمام مردم را و بسوی تو آمدم ای خدای من ، تو مسئول و پناهگاه گناهکارانی آمدم به درب عفو و بخشایش تو ای خدای من تا رحم کنی بر من بسبب فضل خود ای یاری کننده پس تو خداوند صاحب فضل ما هستی و تو یار تنهایی می باشی . ای آرزوی آبرومندان در هر ساعت از بلیّات بسوی تو شکایت می کنم پس بپذیر و رحم کن بر شکایت من ای امیدگاه من ، تو برآورنده محبّتهای من هستی پس ببخش به من گناهان مرا و برآور حاجت مرا، توشه من کم است و راه من دور نمی بینم که این راه مرا به مقصد اصلی تواند رسانید ، آیا از برای کمی زاد گریه کنم یا برای درازی راه خود ناله نمایم ؟ بسوی تو با اعمال قبیح و نامقبول خود به تو روآوردم و در میان مردم بنده ی جنایتکاری چون من نیست ای منتهی آرزوی من . آیا مرا به آتش غضب خود خواهی سوزانید ؟ پس امید و بیم من به کجا و به که خواهد بود ؟ من بنده تنها و غریب و قلیل الشکر هستم جز این نیست . بلیّات خود را به حضرت تو به شکایت آوردم پس بپذیر شکایت مرا ای خدای من اگر پیش از غیبت من عطائی بفرمائی ، اصمعی گفت : دیدم آن جوان اشعار می خواند تا آنکه برود در افتاد و بیهوش گشت نزدیک او شدم و نظر در او افکندم دیدم آن جوان حضرت زین العابدین علی بن الحسین صلوات الله و سلامه علیهما است . سر مبارکش را بر دامن گرفته و بر حال شریفش رقت آورده و اشک من برعارض نورانی آن حضرت چکید از ناله من بخود آمد و چشمان مقدّس بگشود و فرمود کیست که مرا از ذکر پروردگار من بازداشته ؟ عرض کردم : ای سیّد ، من اصمعی هستم این ناله و عجز برای چیست ؟ و حال آنکه از خاندان نبوّت و معدن رسالت هستی ؟ آیا تو از آن خاندان نیستی که خداوند متعال درباره شما این آیه را فرستاد " إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا . (سوره الاحزاب آیه 33) " چون حضرت این سخنان از من استماع کردند بنشست و فرمودند: ای اصمعی هیئات هیئات ان الله تعالى خلق الجنّة لمن اطاعه و لو كان عبداً جبشياً و خلق النار لمن عصاه و لو كان سيّداً قرشياً ؛ معنی : خدای تعالی بهشت را آفرید از برای آن کس که اطاعت او کند گوا اینکه غلام حبشی باشد و دوزخ را بیافرید مر آنان را که نافرمانی او کند اگر چه سیّد قریشی نسب باشد ، آیا فرمان خدای تعالی را نشنیدی که میفرماید : فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذ و لا یتساءلون فمن تقلت موازینه فاولئك هم المفلحون و من خفت موازینه فاولئك الذّین خسرو انفسهم فی جهنّم خالدون تلفح وجوههم النار و هو فیها کالحوّن . (مؤمن آیه 103 تا 106)

مناجات حضرت امام حسین صلوات الله و سلامه علیه در اطراف خانه خدا (کعبه مکرّمه)

از حسن بصری روایت کرده اند که گفت : به طواف بیت الله الحرام مشغول بود شبی بغایت تاریک بود و اطراف کعبه نیز از مردم خالی بود در عین حال صدائی دلنشین از مسجدالحرام بگوشم رسید که دل یکسر از جای کنده می شد بر اثر آن صدا رفتم مردی نورانی و باوقار را دیدار کردم که در مقام مناجات با حضرت سبحان ایستاد و زبان مبارکش با این اشعار مترنم بود :

یا رب . یارب انت مولاه فارحم عبیداً الیک بلجاه
ای پروردگار تو مولای من هستی پس رحم کن بنده ات را که بسوی تو امیدوار است
یا ذالمعالی علیک معتمدی طوبی کنت . انت مولاه
ای صاحب مقامات عالیه بر تو است اعتماد من خوشا حال آنکس که تو مولای او باشی
طوبی لمن کان حائفاً ارقا یشکو الی ذی الجلال بلواه
خوشا حال آنکس که ترسناک و بیدار باشد و بسوی صاحب جلالت شکایت خویش عرضه کند
و ما به علتہ و لا سقم اکثر من حبه المولاه
و آنکس را علّت و دردی است بیشتر در دوستی مولای خود ثابت قدم است
اذا خلا فی الظلام مبتهلاً اجابه الله ثم لباه
چون شب شود در تاریکی ناله کند خدای تعالی اجابت و لبیک او فرماید
ناگهان ندای غرّاً فضای مسجدالحرام را طنین افکند و از غیب آوازی در جواب آن بزرگوار آمد .
لبیک عبدی و انت فی کنفی و کَلّما قلت قد سمعناه
لبیک ای بنده من تو در ظلّ حمایت من هستی و آنچه گفتمی به تحقیق شنیدم
صوتک تشتا فقه ملائکتی فذ بنک لان قد غفرناه
آواز ترا فرشتگان من دوست دارند و گناه ترا اینک بخشیدم
فی جنّة الخلد ما تمنّاه طوباه طوباه ثم طوباه
بخشیدم بهشت برین را که مورد تمنّای تست خوش بحال . خوش بحال تو باز هم خوش بحال تو
سلّنی بلا وحشة و لا رهب و لا تخف انّی انا الله
درخواست کن از من بدون ترس و بیم و مترس بدرستی که من پروردگار و خداوند توام
چون نیک نظر کردم دیدم حضرت حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما بود .
بحر محبّت و اسرار مودت ص 139

ولایت شرط قبولی اعمال است .

محمد بن مسلم زُهری یکی از فقها و محدثان و دانشمندان تابعین در مدینه منوره بود . می گوید در یکی از سفرهایم که به مکه مکرمه مشرف بودم با حضرت علی بن الحسین صلوات الله و سلامه علیهما در عرفات ملاقات نمودم حضرت به من فرمود : ای زهری این مردم که در این بیابان هستند بنظر تو چقدر هستند ؟ زهری گفت : خیلی زیاد و تمامشان دارائی خودشان را در راه خدا خرج و در این مکان مقدّس اجتماع نموده و با صدای بلند پروردگار شان را می خوانند . امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : ای زُهری داد و فریاد زیاد است ولی حاجیها کمند ، زهری گفت : آقا جان همه اینها حاجی هستند آیا این همه انبوه جمعیت کم و اندکند ؟ حضرت فرمود : زهری صورت خود را نزدیک من بیاور زهری نزدیک آمد امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه

دستش را بر روی زهری کشید و سپس فرمود : بنگر ، زهری به مردم نگریست و گفت : تمامشان را به شکل و قیافه ی بوزینه و میمون دیدم و در میان آنان انسانی را نمی دیدم مگر در بین ده هزار نفر يك نفر .

امام سجّاد بار دوّم فرمود : زهری نزدیک من بیا ، زهری گفت : نزدیک رفتم حضرت دست مبارکش را بر روی من مالید سپس فرمود : نگاه کن چون نگاه کردم همه خلائق را خوک و گراز دیدم امام زین العابدین صلوات الله و سلامه علیه بار سوّم به زهری فرمود : نزدیک بیا نزدیک آمدم حضرت دستش را بر روی من کشید ناکاه دیدم همه خلائق خرس هستند مگر اندکی از آنها عرض کردم یابن رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم پدر و مادری قربانت کارهای معجزه آسا و خارق العاده تو مرا مات و مبهوت ساخت و امور شگفت آمیز و حیرت انگیز تو مرا حیران و سرگردان نموده و غوطه ور در فکر و اندیشه کرد . امام سجّاد صلوات الله و سلامه علیه فرمود : ای زهری از این جمعیت بسیار فراوان گروه کم و اندکی حاجی میباشند که آنان را دیدی سپس امام زین العابدین صلوات الله و سلامه علیه به زهری فرمود : دست خود را بصورت خویش بکش زهری گفت : فرمان امام را انجام دادم و دستم را برویم کشیدم در اینحال تمام خلائق را بصورت انسان همانند اوّل دیدم ، زهری گفت : امام سجّاد به من فرمود : هر کس حج انجام دهد و خانه خدا را زیارت کند و با دوستان ما دوستی و همراهی نماید و از دشمنان و بدخواهان ما دوری گزیند و تصمیم اطاعت و فرمانبرداری از ما را داشته باشد و سپس در این مکان حاضر گردد و به امانت ما در برابر حجرالاسود که خداوند متعال بر عهده آن گذارده اقرار و اعتراف نماید و به این وسیله امانت الهی را به آن تسلیم نماید . داستانهای علوی جلد 2 / داستان 70 یعنی در نزد حجرالاسود به امانت اهل بیت پیامبر خدا صلوات الله و سلامه علیهم اقرار نماید . ص 40 تا 42

ای زهری پدرم از جدّم رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم به من روایت کرد که آن حضرت فرمود : منافقانی که دشمنان محمد و علی صلوات الله و سلامه علیهما و علاقمندان آنان و طرفداران دشمنانشان می باشند حاجی نیستند . تنها مؤمنان و مخلصانی که دوستان محمد و علی صلوات الله و سلامه علیهما و علاقمندانشان و دشمنان بدخواهان آنها هستند حاجی میباشند .

تفسیر امام حسن عسکری صلوات الله و سلامه علیه ص 142 – بحار جلد 99 ص 258

رفع حاجت از مسلمان بهتر از ده بار طواف خانه خداست .

امام صادق صلوات الله و سلامه علیه میفرماید : کسیکه يك بار خانه خدا (کعبه معظّمه) را طواف کند خداوند تبارک و تعالی شش هزار حسنه و پاداش به او عنایت میفرماید و شش هزار گناه از او محو می کند و شش هزار درجه به او می بخشد و هنگامیکه مقابل در کعبه آمد خداوند تبارک و تعالی هفت در بهشت را بر روی او باز می کند . اسحاق بن عمّار (ره) عرض کرد این همه فضل برای یکبار طواف کردن است ؟ فرمود : آری ! به تو خبر دهم بهتر از این رفع حاجت از مسلمان بهتر از طواف ده بار شمردند یعنی بهتر از فضیلت ده بار طواف خانه خدا (کعبه معظّمه) است .

اصول کافی جلد 2 ص 194

علّت رمی جمرات :

از حضرت مولا علی امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه نقل شده که فرمود : هنگامیکه فرشته وحی حضرت جبرئیل سلام الله علیه مشاعر و معالم حج و علائم آن را به حضرت ابراهیم سلام الله علیه نشان میداد شیطان در برابر ابراهیم ظاهر شد جبرئیل علیه السلام به او دستور داد که شیطان را سنگسار کند حضرت ابراهیم سلام

الله عليه سنگ بجانب آن ملعون پرتاب کرد شیطان لعنة الله عليه در محل جمره اولی داخل شد و ناپدید گردید از این رو آن حضرت دیگر سنگ نینداخت در جای جمره دوم شیطان لعنة الله عليه نیز در برابر حضرت ابراهیم سلام الله عليه آشکار و نمایان شد ابراهیم علیه السلام هفت سنگ دیگر به او پرت کرد شیطان باز در همان جا داخل زمین شده و ناپدید شد در مکان جمره سوم شیطان لعنة الله عليه باز هم در برابر ابراهیم سلام الله عليه ظاهر شد این بار هم حضرت هفت سنگ به او انداخت شیطان لعنة الله عليه باز هم در همان محل داخل زمین شد و ناپدید گشت و بخاطر این عمل رمی جمرات سه گانه از جمله مناسک حج شد .

قرب الاسناد ص 68 - وسائل الشیعه جلد 1 ص 214 - داستانهای علوی داستان 101 ص 170

حکایتی در مورد استعمال حجرالاسود :

علامه مجلسی نور الله مضجعه / اثار الله برهانه در بحار الانوار می نویسد که سالی زنی در حال طواف بود چون مقابل حجرالاسود رسید خواست استعمال حجر کند مردی عقب سر آن زن بود در ظاهر بجهت استعمال و در باطن بجهت شهوت دستش را به روی دست آن زن گذاشت که از ملامسه آن زن لذت ببرد خداوند دست مرد را به دست زن چسبانید مردم مطلع شدند خبر به حاکم مکه دادند حاکم فقها را جمع کرد که در این خصوص چه باید کرد هر کدام سخنی گفتند بعضی اشاره به قطع دست زن کردند و بعضی فتوی دادند که زنگ گناهی ندارد مرد گناهکار است باید دست مرد قطع شود در این بین خبر دادند که حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما آمده است حاکم گفت برویم خدمت آن حضرت رفتند و قضیه را به عرض رسانیدند فرمود: باید دست مرد را برید ، آن مرد عجز و لابه کرد حضرت بر او ترحم کرد دستش از دست آن زن جدا شد حاکم عرض کرد: بگذارید من تنبیهی بکنم فرمود : من شفاعت کردم خداوند از تقصیرش گذشت یا شفیع المذنبین ، یا حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما شفاعت ما گناهکاران را زمامینه در قبر قرار گرفتیم بکن به حق خاندان عصمت و طهارت صلوات الله و سلامه علیهم .

صراط المؤمنین ص 39 و 40

علت چیست که پایتخت مکه را جدّه می گویند ؟

چون قبر جدّه ما حوّا سلام الله علیها در شهر جدّه است و بدین جهت آنجا را جدّه گویند .

جلد اول تاریخ طبری ص 24 - جلد دوم آغاز و فرجام جهان از نظر قرآن ص 119

حضرت آدم سلام الله علیه و عفو خدای عزّ و جلّ :

در کافی روایتی نقل شده که مراد از کلماتی که خداوند به آدم القاء کرد نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، علی صلوات الله و سلامه علیه ، فاطمه سلام الله علیها ، حسن و حسین صلوات الله و سلامه علیهما بوده که آدم سلام الله علیه خداوند را به آنان قسم داد تا مورد عفو و آمرزش واقع شود .

آغاز و فرجام جهان از نظر قرآن ص 122